صدای ایران
ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا- و رژیم صهیونی
۵۰۷
روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
سه شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۵



این شماره تقدیم میشود به

پاسدار شهید علی‌اکبر فیروزی

از نیروهای ویژه دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در آبان ۱۴۰۵ حین بازگشت از مأموریت در جاده بندر خمیر بر اثر سانحه رانندگی به شهادت رسید.



KHAMENEI.IR - فارسی - | @Khamenei_fa

ایران و چین با سابقه کهن تمدنی در دو سوی آسیا، قدرت تحول آفرینی در صحنه منطقه‌ای و جهانی را دارند. عملیاتی نمودن تمامی ابعاد توافق راهبردی، این راه را هموار میکند.

فرازی از پیام نوروزی رئیس جمهور چین در ۱۴ فروردین ۱۳۹۸ (عکس از فایننشال تایمز)



بررسی نقشه راه عملیاتی توسعه روابط ایران و چین در شرایط جدید بین المللی

فرصتِ چین
تأکید رهبری، الزام راهبردی

سرمقاله

به قلم محمدباقر قالیباف، نماینده ویژه جمهوری اسلامی در امور چین

پنجاه‌وپنجمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک ایران و چین فرصتی است تا ضمن احترام به مسیری که تاکنون طی شده، بیش از گذشته به آینده نگاه کنیم. روابط دو کشور طی بیش از پنج دهه از تحولات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی عبور کرده و استمرار یافته است. این استمرار سرمایه ارزشمندی است، اما ارزش آن زمانی بیشتر می‌شود که بتوانیم آن را متناسب با شرایط جدید جهان به همکاری‌های عمیق‌تر و پایدارتر تبدیل کنیم. توجه و اهتمام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به برقراری و توسعه یک رابطه متوازن با چین، نشان‌دهنده نگاهی راهبردی، واقع‌بینانه، موشکافانه و دقیق به عرصه سیاست خارجی و اقتصاد بین‌الملل است. تأکید ایشان بر این است که تعامل با قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه چین، نباید به توافقات تشریفاتی محدود شود، بلکه باید چارچوبی متوازن، پایدار و مبتنی بر منافع متقابل و دستاوردهای ملموس داشته باشد. پیگیری منظم و مستمر اقدامات و توافقات صورت‌گرفته از ویژگی‌های بارز رویکرد مدیریتی ایشان است؛ به‌طوری که ارزیابی نهایی همکاری‌ها را نه در سطح سیاست‌گذاری و اسناد، بلکه در خروجی‌های ملموس، پروژه‌های عملیاتی و ارزش افزوده واقعی آن‌ها برای منافع کشور جست‌وجو می‌کنند. در اولین دیدار رسمی رئیس جمهور محترم با رهبر معظم انقلاب، موضوع روابط با چین به‌عنوان یک اولویت سیاست خارجی ایران مطرح شد. همچنین ایشان در دیدار با بنده و دستورات مکتوبی که به اینجانب ابلاغ می فرمایند، مسائل را نه به‌صورت توصیه‌های کلی یا تعارفات دیپلماتیک، بلکه به شکلی کاملاً مصداقی، دقیق و محوربه محور مورد تأکید قرار می‌دهند. در مدت زمانی که این مسئولیت بر دوش بنده بوده است، دستور کاری که رهبر معظم انقلاب در موارد متعدد در موضوع چین تعیین کرده‌اند، بسیار راهگشا بوده است و امیدواریم با لطف خداوند متعال بتوانیم به وظایف خود در این زمینه و دستور کاری که ایشان تعیین کرده‌اند، عمل کنیم. بر این اساس، می‌توان نقشه راه عملیاتی تعاملات با چین را در ۴ محور خلاصه کرد:

۱- نقش چین در پایان دادن به جنگ و شرایط «نه جنگ و نه صلح» برجسته است. تجربه چین در مقاومت مقابل آمریکا و نقش آن‌ها در مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی و تقویت جنوب جهانی، فرصت‌هایی برای ما دارد. در کنار بهره‌مندی از این تجربه، می‌توانیم با همکاری، همگرایی و هم‌افزایی، علاوه بر حل این مسئله، روابط راهبردی خود با چین را مستحکم‌تر کنیم.

۲- وضعیت منطقه پس از جنگ تغییر کرده است. بسیاری از کشورهایی که دل به امنیت وارداتی بسته بودند، امروز دریافته‌اند که امنیت در دست کشورهای منطقه است، نه قدرت‌های خارجی. ایران نیز به دنبال ایفای نقش جدی و اساسی در معماری جدید منطقه‌ای است. در این میان، جایگاه چین برجسته است. روابط چین با ما و سایر کشورهای عربی منطقه، همراه با رویکردهای دولت این کشور که در قالب چهار پیشنهاد رئیس جمهور چین قابل دسته‌بندی است، فرصتی فراهم می‌کند تا از نقش مثبت چین در شکل‌دهی به این نظم جدید و افزایش ثبات در منطقه استفاده کنیم.

۳- جهان به سمت ساختاری متنوع‌تر و چندمرکزی‌تر حرکت می‌کند. سهم آسیا، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور در اقتصاد و مناسبات بین‌المللی افزایش یافته و این تحول در سال‌های آینده اهمیت بیشتری خواهد یافت. ایران و چین در موضوعاتی مانند احترام به حاکمیت ملی، استقلال کشورها، گفت‌وگو، توسعه و چندجانبه‌گرایی اشتراکات مهمی دارند. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، نقش مهمی در تحولات نظام بین‌الملل دارد. برای ایران، مسئله اساسی این است که در این محیط در حال تغییر، ضمن حفظ استقلال و تنوع روابط خارجی، از ظرفیت همکاری با چین در جهت منافع ملی و توسعه کشور استفاده کند. استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و بریکس، جایگاه بین‌المللی ایران را به شکل روزافزونی ارتقا می‌دهد. ۴- اقتصاد، فناوری و مناسبات بین‌المللی با سرعت در حال تغییر است. روابط ایران و چین نیز باید متناسب با این تحولات توسعه یابد. ظرفیت آن وجود دارد که در کنار مناسبات سیاسی و تجاری فعلی، سرمایه‌گذاری، تولید مشترک، فناوری و همکاری‌های بلندمدت توسعه‌ای سهم بیشتری در روابط دو کشور پیدا کند. باید میان یک سند راهبردی و قراردادهای اجرایی تفاوت قائل شد. برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله چارچوبی بلندمدت برای جهت‌دهی به همکاری‌های دو کشور است و تحقق آن مستلزم تعریف پروژه، توافقات اجرایی، تأمین مالی و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها و بنگاه‌های ذی‌ربط است. بالفعل کردن این محورهای همکاری نیازمند توجه به دو نکته است:

اول، باید بدانیم که چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ اولویت‌های مختلفی دارد و ما باید سعی کنیم جایگاه و اولویت ایران را برای طرف چینی به‌درستی تبیین کنیم. تعریف دستور کار در فصل مشترک برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران و برنامه پانزدهم توسعه چین، کلید سرعت‌بخشی به روابط فی‌مابین دو کشور است.

دوم اینکه همه اتفاق نظر دارند که باید بیش از گذشته بر بالفعل کردن ظرفیت‌ها و تسریع در تحقق نتایج ملموس تمرکز کنیم. یکی از ضرورت‌های مهم، حرکت از تعدد ارتباطات به انسجام در پیگیری است. دستگاه‌های مختلف دولتی، بخش خصوصی، نهادهای اقتصادی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فناوری، هر یک ظرفیت‌های مهمی برای همکاری با چین دارند. این تنوع یک مزیت است، مشروط بر آنکه در سطح ملی از جهت‌گیری و هماهنگی کافی برخوردار باشد.

مأموریت نماینده ویژه کمک به ایجاد همین انسجام، اولویت‌بندی، تسریع تصمیمات و پیگیری موضوعات کلان و فرابخشی است تا ظرفیت‌های موجود در یک جهت و با اثربخشی بیشتری به کار گرفته شوند؛ نه اینکه به‌جای دستگاه‌های مسئول وارد حوزه اجرا شود. این مأموریت در قالب یک ستاد که نقش سیاست‌گذاری، راهبری کلان، حل تعارضات و نظارت بر اجرای امور را داشته باشد، شکل خواهد گرفت.

اراده دو کشور برای گسترش و تعمیق روابط بالاست، اما در نهایت آنچه اهمیت دارد، شکل‌گیری یک زنجیره منسجم از تصمیم تا اجرا و از اجرا تا ارزیابی نتیجه است. هر توافق مهم باید مسیر روشن اجرا، مسئولیت مشخص، سازوکار تأمین مالی و امکان ارزیابی پیشرفت داشته باشد. اگر این زنجیره کامل شود، بسیاری از ظرفیت‌های موجود به لطف الهی می‌تواند با سرعت بیشتری به نتیجه تبدیل شود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی هرگونه دیدار بین مسئولان ایران و امریکا را تکذیب کرد

دروغ محض برای کاهش فشار جنگ

سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان، پاسخ امریکا به شروط ایران برای مذاکرات و بازگشایی تنگه هرمز را فریبکارانه توصیف کرد و تأکید کرد در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای میان تهران و واشنگتن در جریان نیست. سرلشکر رضایی در گفتگویی، با اشاره به شروط هفت‌گانه مورد تاکید ایران، اظهار داشت که تهران خواستار پاسخی صریح و روشن از طرف امریکایی شده، اما پاسخ او لیه واشنگتن کافی نبوده و ایران همچنان منتظر پاسخ نهایی است. دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین ادعاهای امریکا درباره ادامه مذاکرات با ایران و احتمال برگزاری نشست در قطر را «دروغ محض» دانست و هدف از انتشار این اخبار را نیز کاهش فشارهای اقتصادی و پایین آوردن قیمت نفت عنوان کرد. سرلشکر رضایی همچنین اخبار مربوط به برنامه‌ریزی برای دیدار با جی دی ونس، معاون رئیس جمهور امریکا را کاملا نادرست و بی اساس خواند.

دبیر شورای عالی امنیت ملی همچنین در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، خطاب به امریکایی ها نوشت: «جنگ علیه ایران، دولت امریکا را از همین حالا به شدت آسیب زده است؛ اما واشنگتن همچنان مانند یک قمارباز مستأصل تقلا می کند.

دست از ساختن اخبار جعلی درباره مذاکرات خیالی بردارید و نظم نوین غرب آسیا را انکار نکنید. زمان آن رسیده که در برابر هفت شرطی که ایران بارها اعلام کرده است، تسلیم شوید.»

#اعتراف روزنامه وال استریت ژورنال

جنگ ایران ترامپ را زمین گیر کرد

انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا به نقطه عطفی در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ تبدیل شد؛ شکستی سنگین که نشان داد سیاست خارجی کاخ سفید می تواند مستقیماً به پاشنه آشیل سیاست داخلی آمریکا تبدیل شود. روزنامه وال استریت ژورنال در تحلیلی، جنگ ایران را یکی از عوامل اصلی شکست جمهوری‌خواهان در این انتخابات می‌داند. افزایش ۴۰ درصدی قیمت بنزین، نارضایتی حتی در میان وفادارترین حامیان ترامپ را افزایش داد و موقعیت جمهوری‌خواهان را در سراسر کشور تضعیف کرد. اما پیامدهای این شکست فراتر از رقابت‌های انتخاباتی است. ترامپ که طی دو سال گذشته از قدرت سیاسی کم‌مهاری برخوردار بود، اکنون با کنگره‌ای قدرتمندتر در اردوگاه مخالفان و محدودیت‌های بیشتری برای پیشبرد برنامه‌های خود روبه‌رو خواهد شد. در سیاست خارجی نیز نشانه‌های این تغییر آشکار است. واقعیت این است که شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان فقط یک ناکامی حزبی نیست؛ هشداری درباره هزینه‌های سیاست خارجی ترامپ است. اکنون جمهوری‌خواهان ناچارند در راهبرد خود تجدید نظر کنند؛ زیرا ادامه این مسیر می تواند هزینه‌های سیاسی سنگین‌تری برای آنان به همراه داشته باشد. در این میان، ایران نیز توانست با ایستادگی در برابر فشارهای آمریکا، هزینه‌های سنگینی به راهبرد تقابلی ترامپ تحمیل کند. ناکامی واشنگتن در دستیابی به اهداف خود نشان داد که قدرت نظامی آمریکا به معنای پیروزی سیاسی نیست. اکنون پیامدهای این ناکامی از عرصه خارجی به سیاست داخلی آمریکا نیز سرایت کرده است.